

نکاتی چند درباره جنبش کارگری و آگاهی طبقاتی

آگاهی طبقاتی کارگری به بیان دیگر آگاهی کمونیستی در ابعاد مختلف‌اش تا حدود ابتدائی معینی بطور خودبخودی، در تطابق با جایگاه عینی اجتماعی طبقه کارگر در نظام سرمایه‌داری، در میان کارگران بوجود می‌آید. این آگاهی در این حدود، مستقیماً براساس موقعیت اقتصادی و اجتماعی کارگر و شیوه زندگی‌اش و تجربه‌هایش از مبارزاتی که برای خواسته‌ها و مطالبات اقتصادی خود در چارچوب حاکمیت سرمایه بانجام میرساند، بصورت گرایش‌های فکری و اخلاقی معینی در ذهن او تکوین می‌یابد و بدینسان بخشی از ذهنیت او را تشکیل می‌دهد. اما رشد و ارتقاء این آگاهی به سطحی بالاتر، به خودآگاهی طبقاتی رشدیافته و شفاف- که لازمه مبارزه کارگر علیه سرمایه در ابعاد سیاسی بطور اعم و برای سرنگونی سرمایه‌داری و برپائی سوسیالیسم بطور اخص می‌باشد- منوط و وابسته به این است که او تا چه اندازه و چگونه در معرض آموزش مستقیم ایده‌ها و عقاید رشدیافته واقعاً کمونیستی بصورت نظریه‌ها و نظرات تدوین‌شده معینی قرارگیرد. ایده‌ها و عقاید کمونیستی (ایده‌ها و عقایدی که خصائص اخلاقی کارگری را نیز منعکس مینمایند) عبارت از ایده‌ها و عقایدی هستند که مبتنی بر و منبعث از جایگاه عینی اجتماعی طبقه کارگر در جامعه بورژوائی می‌باشند، ولی در سطح رشدیافته و شفاف توسط کمونیست‌ها، پیشروان انقلابی طبقه کارگر بصورت نظریه‌ها و نظرات معینی تدوین و ارائه شده و توسط اینها از طریق آموزش و روشنگری و افشاءگری به توده‌های کارگر انتقال داده‌میشوند به بیان دیگر به درون طبقه کارگر برده‌میشوند. این ایده‌ها و عقاید کارگری و بطور کلی تر جهان‌بینی کمونیستی رشدیافته در سطح اندیشه، چنانکه دیده‌میشود، اصولاً بازتاب و انعکاس جایگاه اجتماعی طبقه کارگر هستند و از این جایگاه منبعث میشوند و لذا از طبقه کارگر و جنبش کارگری جدا و مستقل نیستند ولی از آنجا که بلحاظ سازوکار عملی توسط پیشروان انقلابی طبقه کارگر بصورت نظریه‌ها و نظرات معینی تدوین گشته و توسط اینها به میان توده‌های کارگر و به درون جنبش کارگری برده‌میشوند، از این لحاظ جدا و مستقل از طبقه کارگر محسوب می‌گردند.

این انتقال ایده‌ها و عقاید رشدیافته کمونیستی به توده‌های کارگر توسط کمونیست‌ها، ممکن است درعمل مستقیماً درارتباط با و در جریان مبارزات خودبخودی کارگران صورت‌گیرد و البته این مبارزات زمینه مساعدتری برای آن بوجود می‌آورند ولی اساساً به شیوه‌ای مستقل از اینگونه مبارزات انجام‌می‌گیرد؛ تبلیغ و ترویج و آموزش ابعاد مختلف جهان‌بینی کمونیستی، روشنگری و افشاءگری با محتوا و جهت‌گیری کمونیستی در میان کارگران یا به بیان دیگر آموختن ایده‌ها و عقاید رشدیافته و شفاف کمونیستی توسط آنان عمدتاً شامل فعالیت یا کار مستقلی بدین شرح می‌باشد: انتشار نوشته‌هایی مانند نشریه و کتاب یا ایراد سخنرانی یا روشنگری و افشاءگری شفاهی از طریق رسانه‌ها و غیره از سوی کمونیست‌ها و یادگیری و آموختن و پی بردن از طریق مطالعه یا گوش کردن و دیدن و غیره از سوی توده‌های کارگر.

مبارزات صنفی و اقتصادی کارگران در جامعه سرمایه‌داری هرچقدر هم وسیع و مستمر و مداوم باشد و در دوره‌های مختلف طولانی مدتی انجام‌گیرد، بدون کار معین و مستقل ترویج و تبلیغ کافی و مناسب و موثر آگاهی‌های رشدیافته کمونیستی در میان آنان، به مبارزات سیاسی و اجتماعی علیه کلیت نظام بورژوائی منتهی نخواهد شد. بعنوان یک مثال و نمونه بزرگ، میتوان مبارزات طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری پیشرفته کنونی را مورد توجه قرارداد که بمدت یک یا دو قرن است که بیشتر یا کمتر جریان دارد ولی معمولاً تحت نفوذ و سلطه ایده‌ها و گرایش‌های بورژوارفورمیستی و غیر کمونیستی قرارداشته و تقریباً هیچگاه بطور واقعی و مشخص کلیت نظام بورژوائی را مورد تهدید قرار نداده و - به درست یا نادرست - خواستار سرنگونی این نظام و برپائی سوسیالیسم نبوده‌است.

درواقع آنچه که در تحول مبارزات طبقه کارگر به مبارزاتی علیه کلیت نظام طبقاتی سرمایه‌داری و برای برپائی سوسیالیسم نقش تعیین‌کننده ایفاء مینماید همان توده‌گیرشدن ایده‌های رشدیافته واقعاً کمونیستی و اشاعه کافی این ایده‌ها در نزد طبقه کارگر است، که توسط کمونیست‌ها و احزاب انقلابی کمونیست انجام می‌پذیرد و درعین حال به حمایت توده‌های کارگر از این افراد و احزاب نیز

تحقق می‌بخشد. بطورکلی، بیش از دل‌بستن به «برانگیختن» و تکوین و توسعه مبارزات کارگران و حتی امکاناً بسیار بیشتر از این دل‌بستن باید به فکر امر گسترش و ارتقاء آگاهی‌های کمونیستی در نزد آنان بود و برای آن فعالیت نمود. مبارزات کارگری هرچقدر هم توسعه و تداوم‌یابد، بدون برخورداری کافی کارگران از خودآگاهی طبقاتی، از آگاهی کمونیستی، هیچگاه، بلحاظ انجام پیروزمندانه انقلاب موردنیاز جامعه و بطورخاص انقلاب سوسیالیستی و تحقق پیروزمندانه سوسیالیسم، راه به جایی نمی‌برد.

همچنین اگر رابطه آگاهی کمونیستی کارگران را با سازمان‌یابی و تشکل آنان در جوامع سرمایه‌داری موردتوجه قرار دهیم، خواهیم دید که در روابط بین این دو علی‌القاعده و معمولاً آگاهی کمونیستی تعیین‌کننده است. این چگونگی وضع آگاهی کمونیستی در نزد کارگران است که به تشکلات آنان، چه بصورت تشکلات توده‌ای یعنی سندیکاها و اتحادیه‌ها (بعنوان تشکلاتی که در دوره‌های عادی و نبود موقعیت انقلابی معمولاً برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزد و بهبود شرایط زندگی و غیره توده‌های طبقه کارگر مبارزه میکنند) و چه بصورت «شورا»ها (که در موقعیت‌های عینی انقلابی نمایندگان واقعی کارگران در آنها متشکل و توده‌های کارگر از آنها بعنوان ابزار یا ظرف سازمانی‌اشان برای پیشبرد مبارزه سیاسی و انقلابی خود حمایت مینمایند)، خصلت و جهت‌گیری معینی می‌بخشد.

در تحزب‌یابی کمونیستی کارگران که عبارت از تشکل‌یابی کارگران پیشرو و آگاه در احزاب کمونیستی است نیز این چگونگی وضع آگاهی کمونیستی این کارگران است که از لحاظ انتخاب یا تشکیل حزب معین دلخواه اشان بطورکامل و ، متناسب با میزان تأثیرگذاری اشان در این حزب ، بلحاظ چگونگی این حزب و کارکردهایش و غیره تاحدودی بیشتر یا کمتر نقش تعیین‌کننده ایفاء میکند.

حمید پویا

۹ ژوئن ۲۰۱۴